

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره فیل، ۱۱ ماه مبارک رمضان

## معرفی سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱)

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (۲)

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳)

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ (۴)

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ (۵)

سوره رویت فعل خداوند است. خداوند در این سوره توجه ما را به مراتب رؤیت جلب می‌کند و تفکر ما را به این واسطه فعال می‌کند. در این سوره از ما می‌خواهد کیفیت فعل خدا را ببینیم و به چگونگی فعل خدا توجه کنیم. چگونگی فعل خدا در ماجرای اصحاب فیل برای ما ترسیم می‌شود. خداوند از ما و کسانی که این ماجرا ندیده‌اند حتی خود پیامبر(ص)، انتظار دارد که این ماجرا را ببینیم، معلوم است که مراتب دیگری از رویت مدنظر است. خداوند در این سوره به ما کمک می‌کند که مراتبی از رویت را تجربه کنیم و کیفیت فعل رب را ببینیم. کیفیت فعل رب اینگونه است که اصحاب فیل حرکتی برای دشمنی خدا در نابودی کعبه می‌خواستند، بکند و خدا کید و نیرنگ آن‌ها را مرحله به مرحله و گام به گام منحرف کرد و مانع شد که به هدفشان برسند و پرندگان ابابیل را

فرستاد و با سنگهای ریزی آنها را مثل کاه جویده شده کرد. این کیفیت فعل رب است. خداوند می‌خواهد در این سوره، تفوق قدرت و عظمت خدا را بر همه چیز ببینیم. خدا می‌تواند بر همه قدرت‌های دنیا که می‌خواهند با تبلیغات زیاد جلوی دین خدا قد علم بکنند، با ساده‌ترین رخدادها و کوچکترین پدیده‌ها و موجودات، آنها را نابود کند و نقشه‌هایشان را از بین ببرد. سوره فیل، سوره رویت کیفیت فعل خدا و درک قدرت خداست. اینکه ببینیم وقتی خدا می‌خواهد کاری را انجام دهد به بهترین نحو و زیباترین شکل آن را انجام می‌دهد.

## ارائه سوره

برای بچه‌های دبستان، توقع داریم که بچه‌ها به واسطه سوره فیل با قدرت خدا با فرآیندی آشنا شوند: در سال‌های پایینتر مستقیم نمی‌شود صحبت کرد.

در پایه اول و دوم، آنها را با قدرت پدیده‌های مختلف مواجه می‌کنیم. بچه‌ها فکر نمی‌کنند مورچه یا ملخ توان زیادی داشته باشند. آنها را مواجه می‌کنیم با این که موجودات کوچک در موقعیت‌های مختلف می‌توانند توانمند باشند. بعد تاثیری که این موجودات و پدیده‌ها می‌توانند روی زندگی انسان داشته باشند را به آنها نشان می‌دهیم. کم‌کم این را می‌گوییم که پدیده‌ها، علاوه بر تاثیری که بر زندگی انسان دارند، قدرتشان ممکن است بر انسان تفوق پیدا کند.

بعد این موضوع را بیان می‌کنیم که خداوند با همین پدیده‌ها، می‌تواند جلوی دشمنان خودش و دشمنان بشریت، همان آدمهای بد را اگرچه قدرتمند باشند، را بگیرد.

در گام‌های بعد مستقیماً در مورد قدرت خدا با بچه‌ها صحبت می‌کنیم که وقتی این پدیده‌ها که آنقدر قدرت دارند، اینها سرباز خدا هستند.

در پایان بچه‌ها می‌رسند به سطحی که خودشان می‌توانند چیزهایی که از فعل و قدرت خدا می‌فهمند را به دیگران نشان دهند.

ما از سوره فیل به بچه‌های دبستانی، قدرت و فعل خدا را با گام‌هایی از دیدن توآن‌های موجودات تا نشان دادن قدرت خدا به دیگران توسط خودشان آموزش می‌دهیم.

فعالیت‌های این سوره در نگاه اول شبیه به سوره توحید است و غرض‌های این دو شبیه به یکدیگر است. در سوره توحید فقط در مورد خدا صحبت شده، در مورد پدیده‌ها صحبت نشده. چون خدا در این سوره سلبی معرفی شده یعنی گفته خدا ولد ندارد، کفو ندارد، ما در سوره توحید از مخلوقات که همه این ویژگی‌ها را دارند، برای شناخت خدا استفاده می‌کنیم. سوره توحید، سوره شناخت خداست به واسطه شناخت مخلوقات. مشخصاً داریم در سوره توحید خدا را به بچه‌ها نشان می‌دهیم. از طریق نشان دادن پدیده‌ها و انواع آن‌ها، خدا را معرفی می‌کنیم. سوره فیل هم فعل و قدرت خدا را معرفی می‌کند ولی به صورت غیر مستقیم. وقتی می‌خواهد فعل خدا را به ما نشان دهد به وسیله یک چیز در بیرون، در طبیعت به ما نشان می‌دهد. سوره فیل، سوره نشان دادن قدرت خدا به واسطه مخلوقات خدا است، سوره توحید، سوره شناخت خدا با معرفی مخلوقات است. در سوره فیل، قدرت خدا نشان داده می‌شود، سوره توحید، صفات خدا مطرح است، خدای یکتا به خدا معرفی می‌شود و در آخر نظام یکپارچه به بچه‌ها نشان داده می‌شود. در سوره فیل، قدرت خدا را با نشان دادن موجودات کوچک در مقابل دشمنان بزرگ خدا نشان می‌دهیم.

## تدبر در سوره

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ

این سوره با سوال و استفهام شروع می‌شود؛ و سوال راجع به رؤیت است: آیا ندیدی؟

در سوره ماعون هم با سوال در مورد رؤیت شروع می‌شود. توجه انسان را جلب می‌کند؛

توجه انسان را به چگونگی (کیف) جلب می‌کند؛ به چگونگی و کیفیت فعل پروردگار. و آن را با توجه دادن به یک رخداد یا پدیده جلب نمی‌کند.

این کیفیت فعل رب را در یک مصداق می‌خواهد به رؤیت ما در بیاورد.

اصحاب فیل، گروهی هستند که آمده اند خانه خدا را خراب کنند. گویا این ماجرا در سال ولادت پیامبر(ص) اتفاق افتاده است. انگار خود این اتفاق، از نشانه‌های ولادت پیامبر(ص) بوده که فضا را برای تولد پیامبر(ص) آماده کرده است. ماجرا از این قرار بود که حبشه، پادشاهی مسیحی داشت. حبشه همان جایی است که نجاشی حدود ۵۰ سال بعد، نمایندگان اسلام به سرپرستی جعفر ابن ابی طالب را می‌پذیرد و بعدها پادشاه حبشه آن زمان مسلمان می‌شود. حبشه در شرق آفریقا است و بین عربستان و آفریقا دریای سرخ قرار دارد. تنگه ای در جنوب عربستان هست و بوسیله دریا می‌توان به آفریقا سفر کرد. پایین شبه جزیره یمن هست که فاصله آن با حبشه، فقط یک تنگه هست. ظاهراً یمن هم جز فرمانروایی حبشه بوده و پادشاه حبشه، حاکمی را برای یمن قرارداده بوده به اسم ابرهه. وقتی کسی جای حاکم بوده، قدرتمند بوده است. ابرهه معبدی ساخت تا به جای کعبه، به جهت اقتصادی و سیاسی و... مرکزیت پیدا کند. به او خبر رسیده بود که کعبه، خانه سنگی ساده ایست، منطقه آن هم خیلی خاص نیست، ابرهه سعی می‌کند در جای بهتری در یمن معبد بهتری بسازد، خیلی هزینه می‌کند تا ظاهر خوبی داشته باشد. به هر دلیلی مردم به آنجا جذب نمی‌شوند و موفق به این کار نمی‌شود و کعبه همچنان مرکزیت خود را حفظ می‌کند. دنبال بهانه‌ای برای حمله به کعبه بود که این بهانه ایجاد می‌شود، فردی می‌آید و در معبد توهینی می‌کند، بهانه جور می‌شود. تصمیم می‌گیرند که خانه خدا را خراب کنند. باید جوری این کار را می‌کردند که توجه‌ها به آن جلب شود. همانطور که امروز کار رسانه‌ای خیلی مهم است، آن زمان هم تبلیغات و کار رسانه‌ای مهم بوده. ابرهه هم می‌خواست با کار رسانه‌ای توجه‌ها را به معبد جلب کند و گرنه شاید خیلی ساده تر هم می‌توانسته کعبه را خراب کند. شبه جزیره عربستان فیل ندارد، آفریقا هست که فیل دارد. اقوال مختلف است برخی می‌گویند سپاه فیل راه می‌اندازد، برخی می‌گویند فقط ابرهه سوار بر فیل بوده. بالاخره این فیل نقشه و برنامه می‌خواهد، جنبه

رسانه‌ای آن هم مهم است. حتماً سفارش داده تا از آفریقا فیل بیاورند. این فیل‌های

جنگی باید آماده شوند. این فیل‌ها باید از حبشه به حجاز بروند. تأمین غذای سربازها و فیل‌ها برنامه‌ریزی می‌خواسته است. در جنگ‌های پیامبر(ص) شترهای زیادی با خود می‌برند تا بتوانند از گوشت آن‌ها استفاده کنند. فیل مقدار زیادی هم غذا می‌خورد. طبیعتاً این همه غذا را نمی‌توانسته ببرند. اینها را درست نمی‌دانم، دارم تخیل می‌کنم چون سوره ما را به همین کار دارد دعوت می‌کند. ما داریم آنی که خدا می‌گوید آیا ندیدی؟ را داریم می‌بینیم. این رویت خیالی است. داریم گزاره‌هایی را که می‌توانیم از پس زمینه‌های طبیعی می‌فهمیم، کنار هم بچینیم. برای انتقال فیل‌ها، مسیر را از قبل بررسی کردند و برای غذایشان فکر کرده بودند. سپاه فیل یعنی ما می‌توانیم با فیل کعبه را خراب کنیم و نقل این فیل‌ها از حبشه تا حجاز کار رسانه‌ای ویژه‌ای در محل‌هایی که از آنجا عبور می‌کردند بوده است. مردم حجاز که فیل ندیده‌اند، می‌گویند وای اینها چقدر قدرتمند هستند و بعد این را به قبائل دیگر منتقل می‌کنند. اگر کعبه را بزنند خراب کنند و بگویند ما خودمان یک معبد شکیل و زیبا داریم، ثروت و قدرت و امکانات همه چیز در یمن هست و... کار تبلیغاتی ویژه‌ای می‌شود.

## أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ

تضلیل از ریشه ضل به معنای گمراهی است. اضلال یعنی گمراه کردن یعنی کاری کنی که شخص راهش را گم کند، کاری کنی که تا الان می‌دانسته چی کار کند، دچار گیجی و گنگی شود. تضلیل نسبت به اضلال در باب تفعیل است. در افعال تمرکز روی فاعل است، یک دفعه‌ای است. ولی تفعیل، تمرکز روی مفعول است، محتوا دیده می‌شود و فرآیند دارد. اضلال یعنی گمراه کردن، فردی هست که گمراه می‌کند. در تضلیل تمرکز روی مفعول است. تضلیل یعنی فرآیند گمراه‌سازی. در آیه آمده کید آن‌ها در تضلیل قرار گرفته، به نظر می‌رسد نقشه‌های سپاه ابرهه گام به گام به بن بست خورده و نقشه‌هایشان پیش نرفته و خداوند آن را در تضلیل قرار داده است. نقشه‌هایشان در وضعیتی قرار گرفته که راهش گم شود، نداند که چه کار بکند.

## وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ

در آیه بعدی مراحل آخر این تزییل بیان شده است. خداوند پرندگانی به نام ابابیل بالای سر این سپاه فرستاد؛ ارسال این پرندگان بالای سر این سپاه بخشی از تزییل است.

سوره فیل مطلب برای کشف زیاد دارد. ابابیل اسم پرندگان است یا صفت یا حالشان، دقیق مشخص نیست. ظاهراً ابابیل اسم پرندگان بوده و با ابل به معنی شتر هم ریشه است که قابل مطالعه است. نمی‌خواهیم وارد این بحث شویم.

## تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ

ترمیهم از ریشه رمی به معنی تیر اندازی کردن است. حجاره یعنی سنگریزه. سجیل ظاهراً یعنی گل و سنگ یا کلوخی که سنگریزه داشته باشد؛ و چیزی شبیه اینها. سنگ‌ریزه‌هایی به سمت این سپاه توسط ابابیل پرت شد.

## فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ

و در آیه بعدی می‌گوید خداوند با این کار این سپاه را شبیه گاه خورده شده کرد. عصف به معنی گاه است. در لغت نامه‌ها آمده: برگ و محصولات باقی مانده از کشاورزی، گاه همین است. ماکول یعنی خورده شده.

چهارپایان نشخوارکننده هستند. علف را که می‌خورند با جویدن اولیه قورت می‌دهند، بعد که استراحت می‌کنند، این برمی‌گردد در دهانشان و دوباره می‌جوند و قورت می‌دهند. به این می‌گویند نشخوار. این علف‌ها که اول خورده شده، کامل جویده نمی‌شود، دوباره که نشخوار می‌کند، له تر می‌شود.

این فضای کلی سوره مبارکه فیل است. با این تصویر از ماجرا می‌خواهد ما کیفیت فعل رب را ببینیم: اینکه گروهی این حد نقشه بکشند، تا این حد برنامه ریزی کنند، تا این حد کار تبلیغاتی بکنند و توان و نیرو برای خود جمع کنند و خداوند به راحتی با پرنده و سنگ جلوی آن را بگیرد.

در زمان خودمان هم در حادثه طیس دیدیم، آمریکا کلی برنامه ریزی می‌کند، در آن زمان هنوز جمهوری اسلامی درست استقرار پیدا نکرده که بتواند کاری انجام دهد. کسی هم خبر ندارد. خداوند خیلی راحت با یک

طوفان شن، جلویشان را می‌گیرد. یعنی خداوند اگر بخواهد دشمنان خود را از میان بردارد به راحتی و به ساده‌ترین شکل ممکن می‌تواند این کار را انجام دهد. خداوند می‌خواهد ما این را ببینیم.

**سوال:** در سوره هود هم برای عذاب قوم لوط می‌گوید و امطرنا علیهم حجارة من سجيل منضود مسومه عند ربك... پس سجیل بصورت باران هم می‌تواند باشد و نمی‌تواند سنگ بزرگ باشد. هم در این سوره هم در آن سوره خودش گفته سنگ، سنگهایی از جنس سجیل. منظورتان باران سنگ اگر هست؟ بله به نظر می‌آید که آن شکلی باشد. بعید است که سنگ بزرگ باشد. بیشتر شبیه باران سنگ است.

**سوال:** سپاه ابرهه به لحاظ ظاهری عصف ماکول شدند؟

ظاهرشان هم شبیه عصف ماکول شده‌اند. سنگها جوری زده اند که له شده‌اند. مفسرین هم همین را می‌گویند ولی هر آیه می‌تواند آدم را به خدا برساند. کار مطالعاتی زیاد دارد. فیلم محمد رسول الله که آقای مجیدی ساختند، این صحنه را خوب به تصویر کشیدند و می‌توان برای سال سوم و چهارم هم نشان داد. احتمالا شکل باطنی هم دارد. کسی فکر کند باطن عصف ماکول چگونه می‌شود. ظاهرا اینها برنامه‌ای داشتند، مغز اصلی این برنامه چیزی از آن باقی نمانده، باقیمانده‌اش هم خورده شده و چیزی از آن هم باقی نمانده است. این معنا را هم می‌تواند بدهد. ظاهر هم به هر حال مدنظر هست.

## اهداف تربیتی

### پایه اول

سوره مبارکه فیل، سوره‌ای برای دیدن فعل خدا در پدیده‌ها و رخدادها

در این سوره قدرت موجودات ریز و کوچک را به بچه‌ها نشان می‌دهیم. به بچه‌های اولی این سوره را با توانمندی‌هایی که در مخلوقات است، ولی به چشم نمی‌آید، آموزش می‌دهیم. مثلا مورچه‌ها می‌توانند چیزی با

چندین برابر وزن خودشان را حمل کنند، ملخهای کوچک باهم چه قدرتی دارند یا موریانه‌ها که می‌توانند با هم برجهایی درست کنند و از این قبیل مثالها. ساده و عینی باشد.

به بچه‌ها می‌گوییم که سوره فیل به ما یاد می‌دهد که "بعضی وقتها موجودات کوچک قدرتهای بزرگی دارند."

ملاحظات آموزشی:

\* در پس زمینه آموزشهایمان الله اکبر، قدرت خدا را ببین وجود داشته باشد. استفاده از ذکر الله اکبر به معنای چقدر عجیب! تمرکز بحث را روی خدا نمی‌بریم. وقتی می‌بینیم مورچه‌ها بهم چسبیده اند پل درست کرده‌اند می‌گوییم الله اکبر.

\* از موارد ملموس و عینی استفاده کنیم. توان‌های ویژه موجودات و مخلوقات در باد و خورشید هم هست ولی برای بچه‌های پایه اول، از موارد ملموس تر استفاده می‌کنیم. می‌توانیم از مستندهای طبیعت استفاده کنیم مثلا نشان می‌داد مورچه‌ها می‌خواستند از رودخانه ای عبور کنند، بهم چسبیدند و روی آب قرار گرفتند، هر قدر هم موج می‌آمد اینها هم بالا و پایین می‌رفتند تا اینکه از رودخانه عبور کردند.

مهمترین مساله آموزشی در این پایه این است که "بچه‌ها این را درک کنند که بعضی قدرتها وجود دارد که به نظر نمی‌آید،" این را تجربه کنند و ببینند. برای بچه‌های اول دبستان چیزهای بزرگ موضوعیت دارد و خوششان می‌آید مخصوصا برای پسر بچه‌ها. در آموزش سوره فیل این اهمیت دارد که به آنها نشان دهیم برخی چیزها کوچک قدرتی دارند که شما اصلا فکرش را هم نمی‌کردید.

ورود سوره به زندگی بچه‌ها:

وقتی به محیط اطرافشان توجه کنند، از این زاویه ببینند که چه قدرتی می‌توانند داشته باشند. کرم خاکی، مورچه، پشه می‌بینند، فکر کنند این چه قدرتی می‌تواند داشته باشد. ممکن است ما به آنها چیزهایی یاد داده باشیم و بدانند یا ما به آنها یاد نداده باشیم، بدانند که ممکن است قدرت زیادی یک جا داشته باشد. حتما باید دقت کنیم



که توهم و ترس برایشان ایجاد نکنیم. کاری نکنیم فردا مگس هم دید بترسد. به این ترتیب سوره وارد زندگیشان می‌شود. به صورت پس زمینه و غیر مستقیم به خدا اشاره می‌کنیم

## پایه دوم

### توجه به انواع پدیده‌ها و رخدادها، تمایز و ارتباط آن‌ها و تأثیر آن‌ها در زندگی انسان

اگر اولین سال است که سوره کار می‌شود، ابتدا باید مفهوم پایه اول، فلفل نبین چه ریزه بشکن ببین چه تیزه را به آن‌ها منتقل کنیم.

دومی‌ها باید قدرت و تاثیرات هم پدیده‌ها و هم رخدادها و اتفاقات را ببینند. مثلاً اینکه ملخ‌ها چگونه می‌توانند به کشاورزی آسیب برسانند یا تاثیرات مثبت مانند مفید بودن عملکرد یک باکتری در بدن انسان. به قدرت‌های نهفته در پدیده‌های کوچک اشاره می‌کنیم و تأثیری که این قدرتها در زندگی انسان دارد.

در این پایه می‌توانند فرق بین پدیده‌ها با حوادث و رخدادها را بفهمند، فرق بین ماه و مورچه و درخت و ... با اتفاق‌هایی که در زندگی انسان‌ها رخ می‌دهد، را بفهمند. مثلاً انسان از طبیعت دارو تهیه می‌کند در واقع تأثیر قدرت‌هایی که در طبیعت هست و به چشم نمی‌آید را روی زندگی انسان ببینند.

به بچه‌ها می‌گوییم سوره فیل به ما می‌گوید بعضی قدرتهایی که در پدیده‌ها هست و ما فکرش را هم نمی‌کنیم، روی زندگی ما اثر دارد و باید این را به آن‌ها نشان دهیم.

ملاحظات آموزشی:

\* احصای مثال‌های متناسب و نشان دادن به بچه‌ها. باید نمونه‌های مختلف در طبیعت داشته باشیم که

کوچک ولی مهم هستند و اینکه چه اثری در زندگی ما دارند.

مهمترین مساله در این پایه "درک تأثیر پدیده در زندگی انسان است." بدانند که خیلی از پدیده در زندگی

ما اثر دارد و ما ممکن است که اصلاً آنرا ندانیم مثلاً اینکه وضعیت ماه، اینکه کجای آسمان قرار بگیرد، در زندگی

ما اثر دارد یا بارندگی کم و زیاد شود، بجز مساله آب، چه اثری روی زندگی انسان می‌گذارد، اینکه یک موجودی در طبیعت کم شود، چه تاثیری روی زندگی انسان می‌گذارد و غیره.

ورود سوره به زندگی:

سوره را در یک فضای شاد می‌خوانند. غیر از این باید مثال‌هایی از تاثیر پدیده‌ها روی زندگی انسان داشته باشیم که در موقعیتهای مختلف این را به بچه‌ها نشان دهیم. بچه‌ها پدیده‌های مختلف در طبیعت را مرتبط با زندگی شان ببینند. آن‌ها ارتباط پدر و مادرشان با زندگی شان را می‌فهمند. باید ارتباط سوسک و پشه، ستاره و درخت هم با زندگی شان بفهمند. اینگونه سوره وارد زندگی شان می‌شود.

## پایه سوم

### توجه به ضعف انسان در مقابل طبیعت و قدرتمند شدن او به واسطه اطاعت از خداوند

باید به برکت این سوره به بچه‌ها نشان دهیم که انسان در نسبت با پدیده‌ها و طبیعت، بسیار ضعیف است؛ انسان از یک نظر خیلی قوی است، که می‌تواند از طبیعت بهره ببرد از طرف دیگر در نسبت با سیل و زلزله و حتی موجوداتی مثل ملخ خیلی ضعیف است. باید بفهمند که انسان با اطاعت از دستورات خداوند است که قدرت واقعی پیدا می‌کند، نه با تسخیر طبیعت؛ چون تسخیر طبیعت هم با اذن و اجازه خدا توسط انسان صورت می‌گیرد. به بچه‌ها می‌گوییم که سوره فیل به ما یاد می‌دهد که انسان با همه قدرتی که دارد در مقابل طبیعت ضعیف است و قدرت واقعی انسان با اطاعت از خداوند به دست خواهد آمد. با خدا باشی قدرت داری. هر قدر هم که قدرت داشته باشی، ممکن است پرنده ای بیاید و سنگریزه ای را به سرت بزند.

ملاحظات آموزشی:

\* نمونه‌هایی از تفوق طبیعت بر انسان را به آن‌ها نشان دهیم. مثلا حمله ملخ‌ها به زمین کشاورزی. در نهج البلاغه خطبه جالبی در مورد ملخ آمده است. ویژگی‌های ظاهری و کارکردهایش را می‌گوید و بعد

می فرماید همین ملخ به این کوچکی، کشاورزها را عاجز کرده. یا موجی مانند سونامی می آید و یک شهر را از بین می برد.

\* همزمان با این مطلب باید این را نشان دهیم که آدم با تکیه بر خدا حفظ می شود. حتی اگر ظاهراً هم آسیب ببیند، به نفعش خواهد بود. ممکن است خانه اش هم خراب شود ولی اگر اطاعت خدا داشته باشد، بعداً می فهمد که این خانه خراب شدن، به نفعش بوده، مثلاً بعداً خانه بهتری برایش فراهم می شود. برای بچه های پایه سوم روی آخرت نمی توانیم ببریم.

این موضوع را همیشه گوشزد می کنیم که انسان با اطاعت خدا قدرت می یابد. نمونه ها و داستان هایی برایشان بیان می کنیم که آدمهایی بودند که حرف خدا را گوش کردند و خداوند قدرت هایی به آنها داد. حالا این قدرت ها می تواند، قدرتهای غیر عادی باشد که می توان از این قدرت ها هم برای بچه ها گفت، یا قدرتهای معمولی بدست آوردند. در واقع کارهایشان پیش رفت و انجام گرفت.

مهمترین مساله در این پایه این است که بفهمند "با تکیه به خدا می شود قدرت پیدا کرد." ممکن است فهم عمیقی برای بچه های سومی نباشد ولی همینکه این را بدانند خوب است. و به همین صورت سوره وارد زندگی شان می شود.

## پایه چهارم

**توجه به قدرت خداوند در نبود کردن دشمنان و ضرورت خارج نشدن از احکام الهی**

از سوره مبارکه فیل این مفهوم را به بچه ها می گوئیم که خداوند به راحتی می تواند دشمنان خود، دشمنان حق و حقیقت و دشمنان بشریت را نابود کند و انسان باید حواسش را جمع کند تا دشمن خداوند نباشد. خدا کسی است که خوبی ها را برای ما می خواهد، دشمن خدا یعنی کسی که بدی ها را برای بقیه می خواهد. اگر کسی در مقابل با خدا قرار بگیرد، خدا به راحتی می تواند او را به وسیله طبیعت و موجودات نابود کند.

در این پایه حتی می توانیم داستان اصحاب فیل را تعریف نماییم آن گونه که در سطح درک خودشان باشد.

سوره فیل به ما می گوید خدا به راحتی می تواند قدرتمندترین دشمنانش را نابود بکند.

ملاحظات آموزشی:

کسی خود را در چارچوب احکام دین قرار ندهد، دشمن خدا می شود. پس برای اینکه دشمن خدا نباشند، خود را در چارچوب احکام دین قرار دهند. احکام یعنی خدا گفته این کار را بکنید. خدا این را از سر رحمت و مهربانی گفته است. اگر این کار را بکنیم اتفاقات خوبی برای ما می افتد. اگر کارهای خوب بکنیم همه عالم با ما همراه می شود و کمکمان می کند، اگر دشمن خدا بشویم، طبیعت در مقابل ما قرار می گیرند، انگار جلوی ما می ایستند. چون همه عالم هماهنگ با خدا و خواست خداوند است. اگر کسی خلاف حرف خدا عمل کند، همه عالم دشمنش می شوند چون همه سرباز خدا هستند و دارند حرف خدا را گوش می دهند.

مهمترین مساله این است که "بچه ها بفهمند باید خود را در چارچوب احکام دین قرار دهند و اَلَّا دارند با همه اجزای عالم دشمنی می کنند."

در پایه سوم و چهارم می شود شکوه و عظمت طبیعت را نشان داد که اینها در دست و اختیار خداوند است. این موجودات همه سرباز خداوند هستند. این را باید به بچه ها نشان داد. عظمت آسمان و زمین و کوهها را نشان داد، خدا به همه این اجزا مستقیماً دستور می دهد که باران بیاید، از کوهی آتش فشان بیاید. اینها همه دارند به حرف خدا گوش می دهند. با انتقال این مفهوم سوره وارد زندگی آن ها می شود.

پایه پنجم

توجه به قدرت مطلق خداوند با مطالعه قدرت های مخلوقات به عنوان سربازان الهی

به برکت این سوره قدرت، عظمت و فعل خداوند را به وسیله نشان دادن قدرت پدیده ها و مخلوقات مختلف، به بچه ها نشان می دهیم. باد، کوه، ستاره ها، ماه، خورشید، حتی موجودات کوچکی مثل ملخ و مورچه و ... را ببینند

و مشخصاً قدرت خدا را بفهمند. اگر سال اولی است که این سوره را می‌خوانند مطالب سال‌های قبل به آنها منتقل می‌شود.

به بچه‌ها می‌گوییم که سوره فیل به ما یاد می‌دهد که با رویت قدرت پدیده‌ها به عظمت فعل خدا و قدرت خداوند پی ببریم.

ملاحظات:

با آنها می‌شود گفتگو کرد و آنها را به طبیعت برد و در فیلم‌ها به آنها نشان دهیم. می‌توان به آنها گفت که کار پژوهشی انجام دهند. از این زاویه بحث می‌کنیم که فعل خدا چقدر عجیب است، الله اکبر، خدا چقدر قدرتمند است.

مهمترین مسأله این است که " با قدرت پدیده‌ها آشنا شوند، " سوره فیل وارد زندگی شان می‌شود. "

پایه ششم

برگزاری نمایشگاه یا کارگاه با موضوع استفاده انسان از قدرت پدیده‌ها برای نشان دادن فعل خداوند

اگر اولین بار است که سوره فیل را می‌خوانند، مطالب پایه‌های قبل به آنها آموزش داده می‌شود. در این پایه از بچه‌ها می‌خواهیم اکنون خودشان قدرت و عظمت فعل خداوند را به سایرین نشان دهند؛ با نشان دادن قدرت‌هایی که در پدیده‌ها هست و با نشان دادن استفاده‌هایی که انسان می‌تواند از پدیده‌ها بکند، عظمت فعل خدا را به دیگران نشان بدهند.

به بچه‌ها می‌گوییم که سوره فیل به ما یاد می‌دهد که ما حتماً باید عظمت فعل خدا را ببینیم و به دیگران نشان دهیم.

ملاحظات آموزشی:

شرایطی فراهم کنیم که عظمت فعل خدا را بتوانند به دیگران نشان دهند مثلاً از

طریق برپا کردن یک نمایشگاه یا کارگاه به بچه‌های کوچکتر از خودشان این مفهوم را برای دیگران به نمایش بگذارند. مثلاً نشان دهند که چگونه انسان از قدرت باد برای تولید برق استفاده می‌کند. چطوری از خورشید برای تولید الکتریسیته استفاده می‌کند. انواع قدرت‌های در طبیعت مثل طوفان‌های سهمگین، موجهای بزرگ، قدرت‌های موجودات کوچک. مطالعه روی این موضوعات برایشان خیلی جذاب است و بعد محصولاتمان مانند فیلم، پوستر، نقاشی یا پاورپوینت برایشان درست کنند و با استفاده از این‌ها نمایشگاه فعل خدا برپا بکنند.

مهمترین مسأله در این پایه این است که "فعل خدا را در پدیده‌ها ببینند و بتوانند آنرا به دیگران نشان دهند." در این صورت سوره وارد زندگی آن‌ها می‌شود.

## سوالات

**سوال:** فرق پایه چهارم و پنجم را می‌شود دوباره بفرمایید.

در پایه چهارم در مورد دشمنان و در پایه پنجم به طور خالص در مورد فعل خدا صحبت می‌کنیم. پایه پنجم خیلی به غرض سوره نزدیک می‌شود، با قدرت موجودات، به قدرت خدا پی می‌بریم. پایه چهارم یک گام قبل از این است. در سوم در مورد این صحبت می‌کنیم که زور برخی پدیده‌ها از انسان بیشتر است. در پایه چهارم می‌گوییم زور برخی پدیده‌ها آنقدر از انسان زیاد تر است که خدا با همین‌ها دشمنانش را هم نابود می‌کند. در پایه چهارم خوب است بچه‌ها بفهمند که احکام خدا را رعایت بکنند چون همه طبیعت دارند طبق گفته خدا عمل می‌کنند و ما برای اینکه بتوانیم با اینها هماهنگ شویم و بتوانیم از اینها استفاده کنیم حرف خدا را بیشتر گوش دهیم. هر قدر حرف خدا را گوش ندهیم در دسته دشمنان خدا قرار می‌گیریم.

ممکن است بگویند کسانی که خدا را قبول ندارند، از طبیعت خیلی استفاده می کنند.

جوابش این است که در یک سطحی خدا اجازه داده و می توانند از طبیعت استفاده کنند ولی یک ویروسی مانند کرونا می آید که همه دنیا را درگیر می کند. خدا خیلی راحت با یک ویروس کوچک، خدا کیدشان را در تضلیل قرار داده است.

**سوال:** در جواب اینکه بچه ها می پرسند پس اینهایی که توسط سیل یا زلزله می میرند دشمن خدا بودن، چی باید گفت؟

در همه اقوام عذابی نازل می شود، خدا دوستان خود را اگر کوتاهی نکرده باشند، نجات می دهد. در برخی اقوام ممکن است آدم هایی باشند که خدا را قبول داشته باشند ولی برایشان خیلی مهم نیست که بقیه گناه می کنند. البته ذهن را نباید برد روی گناه های خاص، به طور کلی گناه یعنی اینکه در مسیری که خدا تعیین کرده، حرکت نمی کنند. اگر برایشان مهم نباشد، وقتی عذاب می آید، اینها هم با آنها عذاب می شوند. می گویند ما کار خودمان را می کنیم، آنها هم کار خودشان را می کنند. ولی اگر کسی پر پر بزند که دیگران در مسیر خدا قرار بگیرند، وقتی عذاب خدا بیاید آسیب نمی بینند. آدم فقط در مورد خودش می تواند قضاوت کند نه در مورد کسی. گاهی ممکن است آدم خوبی هم از دنیا برود چون اجلش رسیده است. ما که نمی دانیم اتفاقی که برای آن فرد افتاده، برایش خوب بوده یا بد. البته اینها را برای بچه های دبستانی نمی توانیم بگوییم.

بعضی وقتها خیلی از سوالات بچه ها که نمی دانیم چگونه جواب دهیم، وقتی بررسی می کنیم می بینیم این ابهام در ذهن خود مربی بوده است. اگر ابهام مربی برطرف شود، این را یک جوری به بچه ها منتقل می کند. مرگ الزاما اتفاق بدی نیست. مرگ طبیعی است. اتفاقات بد، طبیعی نیست. شما در زندگی انبیا الهی می بینید، حضرت ایوب بیماری خیلی سخت گرفته و کسی نمی توانسته به او نزدیک شود، این را نمی شود گفت آسیب یا عذاب است ولی ضرر هست که در سوره فلق راجع به آن صحبت کردیم. اگر انسان با آن مواجه درست داشته باشد، می شود به نفع انسان تمام شود. وقتی یک چیز مانند کرونا می آید برای دوستان خدا مفید است. کلا دوستان خدا، مومنین را

نمی‌شود کاری کرد که به اهدافشان نرسند. بدترین کاری که کرده‌اند، کاری بوده که

با سیدالشهدا کردند، باعث شدند که حضرت به هدفشان برسند. ایشان می‌خواستند جلوی خاموش شدن دین خدا را بگیرند، گرفتند. می‌خواستند جامعه به سمت گسترش دین خدا برود که رفت. به طور کلی این را خودمان بدانیم. اگر بچه‌ها سوال کردند اگر در سطح فهمشان نبود می‌پیشنمایمشان.

روایت داریم خداوند هر چه حکم کند که محقق شود، برای مومن خیر است.

خداوند از انسان انتظار دارد که ایمان به غیب داشته باشند. تا پنجم ششم نمی‌شود در مورد غیب صحبت کرد. ما آنچه را که می‌توانیم به بچه‌ها نشان دهیم، درست نشان دهیم.

**سوال:** بچه‌ها در این دوران کرونا، سختی‌هایی کشیدن. وقتی به خدا نسبت بدیم که بچه‌ها خیلی بدبین می‌شوند. مثال زنند. اینگه چه مثالی برای دانش آموز بزنند، به شمای معلم و بچه‌ها دارد. ما می‌خواهیم در پایه پنجم بچه‌ها متوجه قدرت خداوند بشوند خب مثالی که آن‌ها را متوجه قدرت خدا می‌کند، می‌زنیم.

به بچه ما که پایه اول است، در ایام کرونا خیلی خوش گذشته است. او الان می‌فهمد که اگر با چیزهای بد، خوب برخورد کند، می‌تواند نتایج خوب داشته باشد. چیز بد چیه؟ اینکه خیلی نمی‌تواند از خانه بیرون رود، خانه پدر بزرگ مادر بزرگش کمتر می‌رود و امثال اینها ولی کارهای دیگری کرده که بهش خوش گذشته در عین حال به او می‌گوییم عده ای مریض هستند، باید برایشان دعا کنیم خدا آن‌ها را شفا دهد.

مثالی برای بچه‌ها می‌زنیم که غرض ما را تامین بکند.

**سوال:** معنای رویت تفکر در قدرت خدا هست یا رویت خیالی تصور و تخیل آنچه گذشته به این نحوی که فرمودید.

رویت مراتب دارد. به کتاب تفکر مشاهده ای می‌توانید مراجعه کنید. یک مرتبه آن حسی است، همینکه من را با چشم می‌بینم. یک مرتبه دیگر، رویت خیالی است مثلاً من درختی را در خیالم می‌بینم. یک رویت وهمی است، به



یک گزاره‌ای فکر می‌کنم. همین چیزها که در مورد ابرهه می‌گفتم انگار داشتیم فیلم

می‌دیدیم. مراتب دیگری هم دارد که نمی‌خواهیم وارد آن بشویم. رویت شهودی، رویت عقلی و... داریم. هر کس در هر مرتبه‌ای که می‌تواند رویت می‌کند.

**سوال:** فرق بین پدیده و رخداد را توضیح می‌دهید؟

اتفاقاتی که در طبیعت می‌افتد را پدیده می‌گوییم مثلاً به صورت تکوینی پدیدار شده است. حوادثی که بین انسان‌ها می‌افتد را رخداد می‌گوییم مثلاً تصادف، جنگ. در رخدادها معمولاً پدیده‌هایی وجود دارد مثل سنگ سجیل، ابابیل حتی جمع بودن ابابیل با یکدیگر خودش یک پدیده است ولی حمله ابرهه و شکستشان یک رخداد است.

**سوال:** آیا بچه‌ها نمی‌پرسند که پس کسانی که دچار زلزله و... میشوند خدا را اطاعت نکردند؟

ممکن است بپرسند ولی ما باید جوری مساله را طرح کنیم که این سوال پیش نیاید. اگر کسی خدا را اطاعت نکند، حتی اگر اتفاقات بد هم بیفتند به نفعش تمام می‌شود مثال خوبی که می‌توان برای آن زد، مثلاً دو بچه هستند که بستنی می‌خواهند ولی مادرش به آن‌ها نمی‌دهد. بچه‌ای که به حرف مادرش گوش نمی‌کند، شب با سرفه و ناراحتی می‌خوابد و بچه‌ای که به حرف مادرش گوش می‌کند راحت می‌خوابد. به نفعش تمام می‌شود. از این مثال‌ها می‌توان زد. اگر کسی به حرف خدا گوش کند ممکن است اولش به ظاهر سخت بیاید ولی در نهایت به نفعش می‌شود. برای بچه‌های پنجم و ششم می‌توان حضرت یوسف را مثال زد که اول دچار سختی شدند و از خانواده دور شدند ولی بعداً به موقعیت خوبی رسیدند.

**سوال:** می‌پرسند کسانی که خدا را اطاعت می‌کنند و باز هم آسیب می‌بینند، چه جوابی بدهیم؟

همین چیزی که قبلا گفتم. اگر کسی خدا را اطاعت کند همه چیز به نفعش می‌شود.

یک نکته ای که خیلی مهم است به آن توجه بکنیم. یکی من هستم که بنده خدا هستم، یک رابطه‌ای با خدا دارم که عملکردم رابطه من را با خدا شکل می‌دهد. دانش آموز هم بنده خداست و با خدا رابطه‌ای دارد، حالا من می‌خواهم در رابطه‌ای که دانش آموزم با خدا دارد یک نقشی را ایفا کنم و آن را قوی‌تر کنم. نباید یادم برود که آن دانش آموز خودش خدا دارد یعنی خدا بهتر و بیشتر از من هوای بنده خودش را دارد. خدا یک بتی که نه می‌تواند حرف بزند، نه می‌تواند کاری کند که نیست، خداوند فعال ما ی‌شاء است، با بنده‌های خودش ارتباط برقرار می‌کند. ما فقط باید نقش خودمان را ایفا کنیم، ما که متولی نیستیم، ما که وکیل کسی نیستیم حتی پیامبر(ص) هم وکیل نیست، فقط خدا وکیل است یعنی فقط به او می‌شود توکل و تکیه کرد.

اینکه به آن‌ها بگوییم خدا را اطاعت بکنند بعد آسیب ببینند، من که نمی‌توانم کاری کنم که مثلا زلزله نیاید تا این بچه به خدا بدبین نشود؟ خود خدایی که زلزله را ایجاد کرده، حواسش به بدبینی و خوش بینی بنده اش هم هست. ما نقش خودمان را درست بازی کنیم، نقش خدا را به خودش واگذار کنیم. نمی‌خواهد ما نقش خدا را اجرا کنیم. خیلی وقتها ما می‌خواهیم کار خدایی انجام دهیم و یادمان می‌رود که خدا هم هست. ما داریم ادا در می‌آوریم، خدا خودش بنده‌هایش را هدایت می‌کند. چون خدا امر کرده ما نسبت به خودتان و اهلتان اقدام کنید که حفظ بشوند، ما داریم سعی می‌کنیم وگرنه هدایت و ضلالت دست خداست. یادمان باشد که خدا هست. خودمان یادمان نرود که خدا قدرت دارد.

**نکته:** لحاظ این ملاحظات خیلی خوب است مثلا جای ناجوری درمورد خدا و پیغمبر حرف نزنند که بچه‌ها بگویند برو بابا. اینها ملاحظاتی هست که خوب است رعایت شود مثلا می‌گوییم جایی که مناسب هست و بچه‌ها شاد و سرحالند، قرآن را بخوانیم. جایی که جیغ زدیم سر بچه‌ها آنجا قرآن نخوانیم. ما در همین حد که از دستمان برمی‌آید انجام می‌دهیم وگرنه همه اش خداست.

**سوال:** گاهی ممکن هست بچه‌ها آسیبی از طبیعت ببینند مثلا خانواده را در زلزله

از دست داده است و این از سمت خدا بوده که آسیب ببینند ، چطور این مسئله قابل حله؟

امثال این سوال همان که عرض کردم، اگر جواب مشخص داریم که جواب می‌دهیم، اگر جواب نداریم خوب نمی‌دهیم. این خیلی مهم است اگر معلم خودش به خدا حسن ظن داشته باشد، در آنجا می‌فهمد چه بگوید و کی سکوت کند و.. اگر برای معلم سوال باشد که خدا مگر تو رحم نداری، قاعدتا نمی‌تواند به بچه‌ها جواب دهد. وقتی بحث می‌رود روی بچه‌ای که آسیب مشخص دیده، نیاز به معاینه و بررسی دارد و باید متناسب با همان دارو تجویز شود. ما داریم بحث کلی را می‌گوییم.

**سوال:** امکان دارد در مورد روند ارائه بحث سوره‌ها در کلاس هم توضیح بفرمایید. یعنی کلاس رو از کجا آغاز می‌کنید و به مفهوم سوره می‌رسید، اول غیرمستقیم بازیها و فعالیت‌ها انجام می‌شود بعد به به گفتگو در مورد سوره می‌پردازید یا ابتدا گفتگو می‌شود و فعالیت‌ها به عنوان تثبیت مفهوم انجام می‌شود. مراحل تدریس را متناسب با وضعیت کلاس می‌توانیم تعیین کنیم مثلا می‌خواهیم یک زنگ کامل را اختصاص دهیم یا سوره را پراکنده می‌خواهیم در دروس دیگر تدریس کنیم یا... مراحلش دست خود ماست. فقط باید این ملاحظات را در نظر بگیریم. خلاقیت معلم هم موضوعیت دارد.

مهمترین موضوع **خواندن سوره** است. حالا یک معلم اول سوره می‌خواند، دیگری اول فضای ذهنی بچه‌ها را آماده می‌کند و بعد سوره را می‌خواند. همخوانی سوره خیلی مهم است. سوره خوانده و شنیده شود. نکته دیگر **اشاره به پیام سوره** است. در پایه‌های پایین تر اشاره به پیام سوره کوتاه تر صورت می‌گیرد، در پایه‌های بالاتر بیشتر می‌شود در مورد پیام سوره گفتگو کرد.

نکته دیگر انجام **فعالیت‌هایی برای درک پیام سوره** است. حالا در پایه‌های پایین تر بیشتر جنس بازی دارد، در پایه‌های بالاتر قالب‌ها متنوع تر می‌شود مثل کارهای گروهی در پایه ششم، تحقیق و پژوهش در پایه‌های چهارم و پنجم.

نکته دیگر اشاره به پیام سوره در موقعیت‌های مختلف است. ابعاد مختلفی دارد

مثلا اسم و متن سوره را به دیوار کلاس بزنیم. این دو هفته مهمان سوره فیل هستیم، در موقعیت‌های مختلف پیام سوره را در دروس دیگر، در زنگ تفریح، در خانه، در مدرسه برای بچه‌ها مطرح بکنیم. این نکات با چیدمان درست، طرح درس ما می‌شود.

**سوال:** در خانواده‌ها مظاهر پیروی نکردن از اوامر الهی مثل بی‌حجابی و یا نماز نخواندن وجود دارد با بیان این

مسئله که دشمن خدا می‌شوند و عالم آن‌ها را به مجازات خواهد رساند در آن‌ها ترس ایجاد نمی‌شود؟

تنها سوره ای که با بچه‌ها می‌خوانیم سوره فیل نیست. در سوره‌های مختلف مطالب دیگری هم داریم مثلا قضاوت نکردن در مورد دیگران در سوره همزه را اینطوری به بچه‌ها نمی‌توانیم بگوییم ولی یک قاعده کلی وجود دارد: همه سوالات بچه‌ها را نباید جواب داد، ما سوالاتی که بلدیم را جواب می‌دهیم. برخی سوالات ممکن است برای خودمان هم سوال باشد. خب جواب نمی‌دهیم. می‌گوییم عزیز من این سوال را نمی‌دانم ولی می‌دانم که خدا آنقدر مهربان است که هوای همه بنده‌هایش را دارد. یعنی بحث را می‌بریم یک جای دیگر جوابش را می‌دهیم. این خیلی قاعده مهمی است: اصلا نباید همه سوالات بچه‌ها را مستقیم پاسخ داد. برخی سوالات را باید نشنیده گرفت. گاهی باید چیز دیگری جواب دهیم، گاهی باید موکول به بعد کنیم. اینها بسته به مهارت معلم است. گاهی جواب سوالی را نمی‌دانیم، گاهی جواب را می‌دانیم، نمی‌دانیم به بچه‌ها چگونه توضیح دهیم خیلی راحت به بچه‌ها می‌گوییم نمی‌دانم یا مثلا می‌گوییم جوابش را می‌دانم ولی نمی‌دانم چجوری به شما بگوییم ولی می‌دانم... چیز دیگری را می‌گوییم که فکر می‌کنیم در جوابش موثر است.

بچه‌ها در این سن اینطور نیستند که با استدلال اغنا شوند، آن‌ها حسی هستند. با چیزهای جذاب که حس و احساسات آن‌ها را به سمت مثبت برانگیخته کند، می‌توانیم ذهنشان را به سمت مثبتی برگردانیم. لازم است خودمان ابهامات ذهنی مان را برطرف کنیم. بعد نسبت با بچه‌ها آن چیز را که می‌دانیم را می‌گوییم و آن را که نمی‌دانیم را نمی‌گوییم.

خیلی وقتها جواب سوال بچه‌ها چیز دیگری است. مثلا یک بار یک شاگرد کلاس

دهمی سوال پرسید: کی گفته خدا هست؟ خدا کمک کرد بهش گفتم این حرف‌ها را ول کن، به این بچه‌ها که جو می‌دهند توجه نکن، فرض کن یک جا خودت تنها هستی، خودت خدا و کیلی نمی‌دانی خدا هست؟ سکوت زد و لبخند زد و این حرف تمام شد.

گاهی استدلال و توضیح و اینها نمی‌خواهد. همین که توجه افراد را برگردانی، آرام می‌شوند.

این دو نکته خیلی مهم است:

۱- به همه سوالات بچه‌ها مستقیم نیاز نیست پاسخ دهید.

۲- ابهامات خودمان را برطرف کنیم، می‌فهمیم به بچه‌ها چه پاسخی بدهیم.

در مورد سوالی که پرسیدید، کافی هست که یک مثال نقض برایش بیاوریم اگر آن‌ها که می‌گویند، از اطرافیان‌ش هستند می‌گوییم ما از کجا می‌دانیم؟ ممکن است در بحث حجاب، حرف خدا را گوش ندهد ولی جاهای دیگر حرف خدا را گوش کند ما که این را نمی‌دانیم. ما در مورد دیگران نمی‌توانیم قضاوت کنیم. راجع به آدم‌هایی که می‌دانیم آدم‌های خوبی نیستند، می‌توانیم به آن‌ها نشان دهیم که اینها زندگی خوبی ندارند. ظاهر زندگی آن‌ها خوب است ولی واقعا معلوم نیست که زندگی شان خوب باشد. مثلا شعار "ظاهر زندگی دیگران را با باطن زندگی خود مقایسه نکنید." این را برای بچه‌های پنجم دبستان می‌شود گفت و مثال زد که تو در زندگی اینطوری اینطوری می‌شوی، کسی متوجه آن می‌شود؟ همه آنطرف زندگی تو را می‌بینند. او هم می‌تواند چیزهایی داشته باشد که تو نبینی، با مثال‌های نقض می‌توان ذهنیتشان را اصلاح کرد.

**سوال:** گویی خدای مهربون داخل قرآن خیلی به سرعت به اشتباهات بنده‌های نافرمان عکس‌العملی نشون دادن،

نسبت به الان، اینهمه تبعیض و بی‌خدایی، گویا عذابی رو در بر ندارد؟

به هیچ وجه اینطوری نیست. کلا عالم نسبت به فساد ظرفیتی دارد. وقتی ظرفیت عالم برای فساد پر شود، قرآن تند تند اتفاقات را تعریف کرده. مثلا فرعون را که می‌گوید طغیان کرده و خدا نابودش کرد. فرعون مدت‌ها حکومت

کرده. از زمانی که حضرت موسی به دنیا آمده، پیامبر(ص) شده و برگشته، سالها طول کشیده. خدا در قرآن اینها را تند تند بیان کرده است. سر و ته داستان را حذف کرده است. عاقبتی هست که برای متقین است. والعاقبة للمتقین. این را خودمان بدانیم.

نکات خانم سیفی:

- برای مثال زدن از قدرت خدا جاهایی که احساس بچه‌ها درگیر می‌شود نباید مثال زد. مثلا خداوند قدرت دارد بیمارعزیزی را که بچه دوستش دارد شفا دهد. چون اگر فوت کند بر اعتقاداتش اثر می‌گذارد. جمله اگر خدا صلاح بداند را باید ضمیمه کرد.

- برای ورود به سوره اگر روی مخلوقات قابل مشاهده و مطلوب بچه‌ها تمرکز شود، سوره بسیار شیرین و عظمت خدا درک می‌شود مثلا معلم با هیجان خاص مورچه‌ها را با بچه‌ها دنبال کنند یا درون گل‌ها را یا طیف رنگ بندی ببینند.

- وقتی معلم در این سوره عجز خود را نشان دهد در حقیقت به نوعی دارد قدرت خدا را نشان می‌دهد.

- چون بچه‌ها معلم و والدین را همه چیز دان می‌دانند وقتی آن‌ها می‌گویند نمیدانم خداوند در چشم بچه‌ها بزرگ تر می‌شود.

خدا ان شاءالله نور علم را بر قلبهایمان بتاباند و روشن شود.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم